

زبان مادی

قدیمی‌ترین یادگاری که از زندگی نیاکان باستانی ما باقی‌است نُسک‌های اوستا است که شامل سرودهای دینی و احکام مذهبی نیاکان و محتوای تواریخی است که شاهنامه فردوسی نمودار آن است، و مطالب تاریخی آن کتاب از کیومرث تا زمان گشتاسب‌شاه می‌پیوندد، و پادشاهی اُپرداته (پیشدادیان) و گویان (کیان) و زمانه هفت‌خدائی (۱) را با هجوم بیگانگان مانند اژدهاک (۲) (ضحاک) و فراسیاک‌تور (۳) (افراسیاب) ترک تا پیدا آمدن زردشت سپیتمان شرح می‌دهد.

(۱). هفت‌خدائی: اصطلاح کتب سنت پهلوی است یعنی هفت پادشاهی و نام آنان چنین است: ۱. یم (جم)، ۲. فریتون اثوینان (فریدون پسر آتپین)، ۳. مینوشچهر، ۴. کای‌اوس (کاوس)، ۵. کیخسرو، ۶. لورهاسپ (لهراسپ)، ۷. وشتاسپ شه. پادشاهی اژدهاک تازی و افراسیاک‌تور را در حساب نمی‌گیرند، و نیز در کتب پهلوی عبارت (سه خدائیه = سه خدائی) از برای مدت پادشاهی اردشیر (بهمن) پسر سفنددات (اسفندیار) و دارا و دارایان مستعمل است، و اشکانیان را به اصطلاح خود (کتک‌خوتای = کدخدا) می‌نامیده‌اند نه "خوتای = خدای" به معنی پادشاه بزرگ: بندهش، شهرهای ایران، دین‌گرت).

(۲). اژدی‌دهاک: از نام‌های بسیار قدیم ایرانی است و لقب مار بزرگی بوده است سه سر که مردم را می‌خورده و دیری بر ایرانیان مسلط بوده است، و فریتون بزرگ‌زاده ایرانی به دستگیری کاوه آهنکی او را گرفته در کوه دمباوند زندانی کرد و این اژدها در آخرالزمان از آن کوه رها شده و آزار و کشتن خلق جهان مبادرت خواهد کرد و گرشاسپ پهلوان داستانی که به امر هورمزد خفته است ظهور کرده اژدها را خواهد کشت - اژدها و اژدهار و اژدرها و اژدر به فتح اول همه از "اژی‌دهاک" متطور شده است. طبری گوید ضحاک معرّب اژدهاق است.

(۳). در اوستا فرنگ رسین به نون غنه: در پهلوی فراسیاک به کاف، و در دری افراسیاب و فراسیاب ضبط شده است.

در این روایات همه جا می‌رساند که رشته ارتباط سیاسی و اجتماعی و ادبی ایران هیچ‌وقت نگسسته و زبان کشور نیز به قدمی‌ترین زبان‌های تاریخی یا قبل از تاریخ می‌پیوندد و گائنه زردشت نمونه کهنه‌ترین آن زبان‌ها است. (گویند نخستین کسی که به فارسی سخن گفت کیومرث بود و نخستین کسی که پارسی را نوشت بیورسپ‌بن‌ونداسپ بود و گویند دیوان به طهمورث خط آموختند (الفهرست ص ۱۸ و شاهنامه) اما آنچه از تواریخ ایران و روم و نوشته‌های سنگ و تواریخ دیگر مردم همسایه برمی‌آید دوران تاریخی ایران از مردم ماد (۴) که یونانیان آن را مدی و به زبان دری مای و ماه گویند برنمی‌گذرد، و پیدا است

که زبان مردم ماد یا ماه زبانی بوده است که با زبان دوره بعد از خود که زبان پادشاهان هخامنشی باشد تفاوتی نداشته، زیرا هرگاه زبان مردم ماد که بخش بزرگ ایرانیان و مهم‌ترین شهرنشینان آریائی آن زمان بوده‌اند با زبان فارسی هخامنشی تفاوتی می‌داشت هرآینه کورش و داریوش و غیره در کتیبه‌های خود که به زبان فارسی و آشوری و عیلامی است، زبان مادی را هم می‌افزادند تا بخشی بزرگ از مردم کشور خود را از فهم آن نبسته‌ها ناکام نگذارند، از این رو مسلم است که زبان مادی خود به‌عینه زبان فارسی باستانی یا نزدیک بدان لهجه‌ای از آن زبان بوده است. و از نام پادشاهان ماد مانند "فراآورت" و "خشتریت" و "فرورتیش" و "هووخشره" و "استیاک - اژدی‌دهاک" و "ارتی‌سس، آرتی‌سس، آرتی‌نس، آرتی‌کاس‌آ" که به لفظ "آرت" آغاز می‌شود و "اسپادا" که سپاد و سپاه باشد نیز نزدیکی این دو زبان معلوم می‌گردد.

(۴). ماد دولتی بود که ایرانیان در آغاز قرن هفتم یا آخر قرن هشتم قبل از میلاد مسیح تأسیس کردند و پایتخت آن هکمتانا - همدان کنونی بوده است که یونانیان آن را اکباتان خوانند و ایرانیان امروز هم به خطا از آن پیروی می‌کنند، ماد بعدها "مای" شد و این تطور بنا به قاعده قدیمی تبدیل حروف فارسی است که دال یا ذال به "ی" بدل می‌شود، سپس "ماه" شد و این هم به همان قاعده است که حرف "یا" و به حرف "ها" بدل. این دولت به‌دست کورش هخامنشی از مردم فارس منقرض گردید. هرودوت در جایی که از دایه کوروش اول یاد می‌کند می‌گوید "نام وی "سپاکو" بوده، سپس آورده است که "سپاکو" به زبان مادی سگ ماده را گویند(۵)" و معلوم است که نام سگ سپاک بوده است و "واو" آخر این کلمه را حرف تأنیث است که هنوز هم این حرف در واژه بانو و در پسرو و دادو دختر و کاکو به‌عنوان تصغیر یا از روی عطوفت و رأفت باقی است، و یکی از رجال آن زمان نیز (سپاکا) نام داشته است که واژه نرینه سپاکو باشد.

(۵). سگ به تصریح حمزه اصفهانی و نقل یاقوت با "سپاه" در معنی یکی است و این هر دو لفظ به معنی شجاع و جنگجو است و از این رو گویند که سکستان و اسپاهان به معنی جای و محل سپاهان و شجاعان است.

بعضی از دانشمندان را عقیده چنان است که گائنه زردشت به زبان مادی است و نیز برخی برآن هستند که زبان کردی که یکی از شاخه‌های زبان ایرانی است از باقیمانده‌های زبان ماد است.(۶)

(۶). طوایف کرد بدون تردید از آن مردمی هستند که از روزگاران قدیم در سرزمین خود که بخشی از ایران است جای گیر بوده‌اند گاهی دامنه چراگاه و خیمه خرگاه خود را تا دشت‌های لرستان و جبال اصفهان کوه کیلویه و سواحل خلیج فارس می‌گسترده‌اند و زبان و آداب آن مردم یکی از دیرینه‌ترین زبان و آداب ایرانی است، و شعر کردی یکی از اقسام شعرهای پنج‌هجائی قدیم است،

و لغات آن قوم نیز یکی از شاخه‌های زبان ایرانی است و گزنفون نویسنده یونانی در کتاب خود (بازگشت ده‌هزار یونانی) از این مردم نام‌برده است و در کتیبه‌های پادشاهان آشور هم ذکری از مردم ”کردو“ رفته است، و در کتاب پهلوی ”شهرهای ایران“ نیز ذکر ”کوهیاران کردو“ که همین کردان باشند آمده است، طبری گوید اردشیر بابکان از کردان بازرنگی یا بازرنجیه ساکن پارس بوده است، و کردان بازرنگی یا برزنگی یا بازنجان و بیزنجان که ظاهراً یک کلمه باشد تا دیری پس از اسلام در فارس منزل داشته‌اند و ابن‌خرداد به واصطخری به تفصیل از آنان نام برده‌اند.

کردو به فتح کاف و زیادتی و او به زبان آشوری به معنی مقاتل و شجاع آمده است و در یکی از کتیبه‌های سرجون ملک آشور که به خط میخی آشوری است لغت ”کردو“ یا ”کاردو“ به همین معنی استعمال شده است و بعید نیست لغت ”گرد“ به معنی شجاع نیز از همین اصل باشد. (رجوع کنید - اصطخری فصل فارس، طبری ج ۲ فصل سامانیان، تاریخ اللغات السامیه تألیف دکتر اسرائیل طبع مصر ص ۴۵ س ۶)

بالجمله چون تا امروز هنوز کتیبه سنگی یا سفالی از مردم ماد به‌دست نیامده است نمی‌توان زیاده بر این درباره آن زبان چیزی گفت مگر از این پس چیزی کشف گردد و آگاهی بیشتری از این زبان بر معلومات بشر چهره گشاید.